

ابن شهر آشوب در نگاه عالمان شیعه و اهل سنت

(تاریخ دریافت: ۹۲/۱۰/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۹۳/۵/۱۸)

الهام زرین کلاه^(*)

چکیده

رشیدالدین محمد بن علی بن شهر آشوب (م ۵۸۸) از دانشمندان و رجالیان برجسته شیعه در قرن ششم، مشهور به ابن شهر آشوب، در مازندران به دنیا آمده است. وی جهت کسب علم و ملاقات بزرگان حدیث و رجال به مناطق بسیاری از جمله بغداد و حلب سفر کرده و از بزرگانی از جمله جدش شهر آشوب، طبرسی، زمخشری مفتخر به کسب اجازه و نقل روایت شده است. افراد بسیاری نیز از وی روایت نقل کرده‌اند. وی دارای تألیفات بسیاری است که معروف‌ترین آن‌ها معالم العلماء و مناقب آل ابی طالب می‌باشد. بسیاری از علمای اهل سنت از جمله ابن حجر، صفدی و در میان شیعه حر عاملی، محدث نوری و ... بدون وارد کردن کوچک‌ترین نقدی به وی، او را ستوده و وی را در زمینه‌های گوناگون فقه، اصول، حدیث و ... بی‌مانند دانسته‌اند. تنها مجمع علمی دمشقی به این علت که ابن شهر آشوب کتابی در مناقب بنی‌امیه ندارد، وی را سزاوار تحقیر دانسته است.

واژگان کلیدی: ابن شهر آشوب، منابع رجالی، رجال، شیعه، اهل سنت.

مقدمه

زندگی‌نامه رجال برجسته و شرح احوال دانشمندان نامی شیعه از دیرزمان مورد توجه دانشمندان بوده و از همان قرون اولیه اسلام، علم رجال و بعدها تراجم العلماء به علوم اسلامی افزوده شده و کتابهای بسیاری در این زمینه تدوین گشته است. یکی از دانشمندان معروف شیعی که بسیاری از کتب رجال به شرح حال او پرداخته‌اند، محمد بن علی بن شهر آشوب ساروی مازندرانی است. در دوران حیات پدرانش، شیعیان

مازندران بسیار اندک و شامل دو گروه زیدیه و امامیه بودند. در زمان جدش شهر آشوب، ساکنان مازندران را مسلمانان اهل سنت و تعداد اندکی از شیعیان زیدیه تشکیل می‌دادند؛ زیرا مازندران با توجه به موقعیت خاص جغرافیایی، مدت‌ها پس از فتح ایران به دست مسلمانان افتاد و پس از آنکه مسلمانان در آن سرزمین راه یافتند و در آنجا ساکن شدند، مانند اکثر قسمت‌های ایران آن زمان، از وجود شیعه بی‌بهره ماند. نقل شده است که تا قرن هفتم، تعداد شیعیان در سراسر مازندران به پانصد تن هم نمی‌رسید. (حرّ عاملی، بی‌تا: ۴۶) از اینجا ارزش واقعی امثال شهر آشوب که در قرن پنجم می‌زیسته و از شاگردان شیخ طوسی بوده (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱۳) معلوم می‌گردد. فرزند وی علی بن شهر آشوب هم در نقل اخبار و آثار اهل بیت تلاش بسیار داشته و از فقها و محدثان به شمار می‌رود، اما در این میان آنچه باعث شهرت شهر آشوب و فرزندش علی شده، شخصیت نوه او، محمد بن علی بن شهر آشوب است. او در روزگاری پا به عرصه وجود گذاشت که شیعیان دوران سختی را می‌گذراندند و سراسر عالم بر اثر اختلافات داخلی و جنگ‌های صلیبی در آتش ناامنی و تاخت و تاز میسوخت. (دوانی، ۱۳۳۸: ۵۷) وی معاصر دانشمند نامی، شیخ منتجب‌الدین رازی (۶۰۰م) بوده و از جانب وی اجازه تحمل حدیث داشته است. ابن شهر آشوب در مسافرت‌هایی که به شهرهای گوناگون داشت، بسیاری از مشایخ و دانشمندان اهل سنت را درک کرده و از آنها برای روایت اخبار کتب معروف آنان، اجازه گرفته است. هدف وی از چنین اقداماتی، خدمت به مذهب شیعه و گسترش دادن فقه، حدیث و منطق شیعه بوده است. در بزرگواری او همین بس که دانشمندان شیعه، پس از شیخ طوسی کسی جز ابن شهر آشوب را «شیخ الطائفه» نخوانده و در تمام کتاب‌های تراجم او را به عنوان احیاکننده مذهب شیعه و آثار اهل بیت دانسته و مقام والایش را در تمام علوم ستوده‌اند. (دوانی، ۱۳۳۸: ۵۸) با توجه به مباحث مذکور و جایگاه والای این شخصیت بزرگ شیعه، بیان دیدگاه‌های فریقین در مورد ایشان از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا این مسئله نقش بسزایی در پذیرش اقوال و آراء وی در زمینه مباحث گوناگون دارد. در این مقاله که پژوهشی موردی است، در صدد بیان دیدگاه عالمان فریقین در مورد این دانشمند نامی شیعه هستیم. اما پیش از آن معرفی اجمالی ابن شهر آشوب، شناخت اساتید، شاگردان و تألیفات وی ضروری است.

بحث و بررسی

۱- معرفی اجمالی ابن شهرآشوب

حافظ ابو جعفر (ابوعبدالله) محمد بن علی بن شهرآشوب مازندرانی سَرَوَه (منسوب به ساریه، شهری در طبرستان ← امین، حسن، بی‌تا: ۶، ۲۹۲) ملقب به رشیدالدین، عزالدین، زین‌الدین و شیخ الطائفه، مشهور به ابن شهرآشوب از رجالیان مشهور قرن ششم است که در سال ۴۸۹ قمری (۱۰۹۶م) در مازندران به دنیا آمده است. (امین، حسن، بی‌تا: ۶، ۲۹۱)^(۱) ابن شهرآشوب در سن هشت سالگی قرآن را حفظ کرده و در همان کودکی از جدش شهرآشوب سماع نموده است. وی از دانشی گسترده برخوردار بود، بسیار عبادت می‌کرد، همیشه با وضو بود و از نظر تألیف و تصنیف، نزد شیعه به منزله خطیب بغدادی نزد اهل سنت بود. (امین، حسن، بی‌تا: ۶، ۲۹۱)

ابن شهرآشوب برای کسب علم و دانش به مناطق بسیاری از جمله خراسان، خوارزم، نیشابور، سبزوار و بیهق سفر کرده است. وی در زمان خلافت مَقْتَنَفی عباسی (۵۵۵-۵۳۰ هـ) به مازندران سفر نمود و در آنجا از شهرت بسیاری برخوردار گشت و به علت مخالفت و درگیری با والی مازندران، وی دستور خروج ابن شهرآشوب را صادر کرد و در نتیجه ابن شهرآشوب مازندران را به مقصد بغداد، معروف‌ترین مرکز علوم اسلامی و حوزه تجمع اهل سنت، ترک کرد. (سبحانی، بی‌تا: ۶، ۲۸۶) او ابتدا به لقب «عزالدین» نامیده شد و سپس به علت تقدم و فضلش به «رشیدالدین» ملقب گشت. (حسینی جلالی، بی‌تا: ۱، ۶۰۱) گفته شده است که در زمانی که وی ساکن بغداد بوده با علمای شهرهای ری، کاشان، اصفهان و همدان و ... دیدار و در فنون مختلف کتاب تألیف کرده است. (امین، محسن، بی‌تا: ۱، ۸۲) ابن شهرآشوب تقریباً تا شصت سالگی در شهرهای دور و نزدیک بغداد، در جستجوی اساتید فن می‌گشت و سرگرم فرا گرفتن علوم بود. البته به طور دقیق مشخص نیست که در چه سالهایی ساکن بغداد بوده و چه مدت در آن دیار توقف داشته، اما مسلم است که شهرت وی در عصر المقتنی بالله مربوط به حدود چهل سال قبل از وفات اوست. (دوانی، ۱۳۳۸: ۶۰) پس از اقامت در بغداد، در زمان حکومت مستضیء (۵۷۴ - ۵۶۶ هـ) به موصل مهاجرت کرد و پس از آن در زمان امیران شیعه مذهب آل حمدان، در حلب (از شهرهای سوریه) رحل اقامت افکند. (امین، محسن، بی‌تا: ۱، ۸۲) علت انتقال او به حلب این بود که در آن زمان، شهر حلب محل رفت و آمد دانشمندان بزرگ شیعه بود و مردم آن با شیعه امامیه با مدارا و نیکی برخورد

۱. صاحب موسوعه طبقات الفقهاء (۶، ۲۸۶) زمان تولد او را جمادی الثانی سال ۴۸۸ ذکر کرده است.

و سلوک می‌کردند، زیرا کشور سوریه در آن روزگار در دست سلاطین آل حمدان بود که همیشه شیعه بودند و حلب خود یکی از مراکز شیعه به شمار می‌رفت. اما مسلم است که هنگام عزیمت ابن‌شهرآشوب به حلب، از امرای آل حمدان کسی وجود نداشته و شیعه از آن آزادی که در عصر آنان داشتند، برخوردار نبوده است. (خوانساری، بی‌تا: ۵۷۵) به نظر می‌رسد سفر ابن‌شهرآشوب به حلب و توقف وی در آنجا بعد از رحلت ابوالمکارم حمزة بن علی بن زهره (برای شرح حال وی ر.ک: تهرانی، بی‌تا: ۱، ۳۲؛ خویی، ۱۴۱۳: ۷، ۲۸۷) بوده است، و گر نه بعید است که با وجود شهرت و محبوبیت بسیار ابوالمکارم در حلب، وی توانسته باشد چنان کسب اهمیت کند و به مقام پیشوایی مردم آنجا نائل شود. مخصوصاً که ابوالمکارم گذشته از مقام فقهی و علمی‌اش، سرآمد رجالیان و دانشمندان خاندان بزرگ خود بوده که از خاندان‌های شیعه و پرجمعیت حلب به شمار می‌آمده‌اند. از این رو به نظر می‌رسد که ریاست ابن‌شهرآشوب در حلب و شهرتی که در آنجا کسب نموده، فقط مربوط به سه سالی بوده که ابن‌شهرآشوب بعد از ابوالمکارم در جهان زیسته است و یا شاید وفات ابوالمکارم موجب شده که ابن‌شهرآشوب آهنگ حلب کرده باشد و شیعیان هم مقدم او را گرامی داشته‌اند. (تستری، ۱۳۷۶: ۲، ۵۰۷) وی در مدتی که ساکن حلب بود، به تدریس، تألیف، وعظ و ارشاد در علوم مختلف اشتغال داشت و سرانجام در شب ۲۲ شعبان سال ۵۸۸ (۱۱۹۲م) در همانجا درگذشت و در دامنه کوه جوشن (امین، محسن، بی‌تا: ۱، ۸۲) که گورستانی برای دفن بزرگان علمای شیعه است، به خاک سپرده شد. از دیدگاه شیعیان حلب، این مکان مدفن محسن فرزند امام حسین (علیه السلام) (امین، محسن، بی‌تا: ۱، ۸۲) و همچنین مدفن ابن‌زهره و شاعر معروف حلب احمد بن منیر است (دوانی، ۱۳۳۸: ۶۲)

۱-۱- اساتید ابن‌شهرآشوب

ابن‌شهرآشوب در راه کسب علم و دانش و دیدار مشایخ حدیث و علماء و فقه‌های بزرگ شیعه و اهل سنت زحمات بسیاری کشیده و به ملاقات جماعت زیادی از بزرگان توفیق یافته و از برخی از آنها به دریافت اجازه نائل گشته است. از جمله این افراد جارالله زمخشری (۴۶۷-۵۳۸) از مفسران برجسته معتزله می‌باشد، که برخی از تألیفات خود را، که از جمله آن تفسیر مشهور کشاف، الفائق فی غریب الحدیث و ربیع الأبرار است، بر ابن‌شهرآشوب قرائت نموده و به وی اجازه روایت از آنها را داده است. (امین، حسن، بی‌تا: ۶، ۲۹۲) از دیگر افراد، ابوعلی فضل بن حسن بن فضل طبرسی، صاحب مجمع

البیان است که در سبزواری میزیسته و ابن شهر آشوب (بیتا، ۲۳) در مورد او مینویسد: «او را مجمع البیان، پیرامون معانی قرآن می‌باشد، که بسیار نیکو و زیباست.» ابن شهر آشوب خود در کتاب معالم العلماء، (بی تا: ۱۲) و مناقب (۱۳۷۶: ۱، ۱۳) به بهره‌وری خود از طبرسی اشاره کرده است؛ آنجا که می‌نویسد: «شیخی، ابوعلی الطبرسی.» همچنین وی در مناقب (۱۳۷۶: ۱، ۱۴) بیان میکند: «و أنبأني الطبرسي بمجمع البيان لعلوم القرآن و بكتاب اعلام الوری باعلام الهدی.»

ابوالحسن فرید خراسانی علی بن ابی‌القاسم زید، از دیگر شخصیت‌هایی است که ابن شهر آشوب در محضر وی شاگردی نموده و از وی، اجازه روایت کتاب حلیة الاشراف تألیف پدر ابوالحسن، زید بن محمد بن حسین بیهقی، را اخذ کرده است. (امین، حسن، بی تا: ۶، ۲۹۲) ابو عبدالله محمد بن احمد النطنزی، صاحب کتاب خصائص العلویه علی سائر البریئه و المآثر العلیه لسید الذریه، سید ناصح‌الدین ابوالفتح عبدالواحد التیمی آمدی، صاحب کتاب غرر الحکم و درر الکلم که در موصل ساکن بوده، ابومنصور احمد بن علی بن ابی طالب صاحب الاحتجاج، ابوالحسین سعید بن هبة الله معروف به قطب راوندی که در کاشان ساکن بوده، شیخ جمال‌الدین ابوالفتوح حسین بن علی رازی صاحب تفسیر روض الجنان و روح الجنان، از اهالی ری، و ابوعلی محمد بن حسن فتال واعظ نیشابوری صاحب کتاب روضة الواعظین از دیگر اساتید ابن شهر آشوب می‌باشند. (نوری، ۱۴۱۶: ۳، ۷۱-۸۲)

ابن شهر آشوب معاصر ابن‌ادریس حلی است و از شیخ طوسی گاهی به دو واسطه و گاه با یک واسطه روایت کرده است. در تأیید این مطلب، آیت‌الله خویی (۱۴۱۳: ۳۳۰، ۱۶) بیان میکند که ابن شهر آشوب از طریق جدش شهر آشوب، از شیخ طوسی روایت نقل کرده، اما تفرشی (۱۴۱۸: ۳۲۳) می‌گوید که وی به واسطه افرادی از جمله محمد و علی بن عبدالصمد از طریق جدش از شیخ طوسی نقل روایت می‌کند. بین این دو دیدگاه این گونه می‌توان جمع کرد که اگر ابن شهر آشوب جدش را ملاقات کرده و در سنی بوده باشد که از او چیزی یاد بگیرد، طبیعی است که از جدش مطالبی را نقل کرده باشد، اما این مسئله منافاتی با این گفته ندارد که وی مطالبی را که از جدش نشنیده، پس از وفات جدش، به واسطه دیگران از جدش نقل کند. قابل ذکر است که جدش شهر آشوب، از طریق سماع، قرائت، مناوله و اجازه از شیخ روایت نقل کرده است (افندی، بیتا: ۱۶۵) و این مطلب امری طبیعی است؛ زیرا شهر آشوب معاصر شیخ طوسی بوده است.

اما مشایخ وی در اجازه و روایت ابو جعفر محمد بن حسن شوهانی، محمد بن علی بن محسن حلبی، رکن الدین ابوالحسن بن علی بن عبدالصمد سبزواری نیشابوری، محمد بن علی بن عبدالصمد سبزواری نیشابوری، شیخ علی بن شهر آشوب (پدرش)، جدش شهر آشوب، ابوالفتح احمد بن علی رازی، ابوسعید عبدالجلیل بن عیسی بن عبدالوہاب رازی، سید ابوالفضل داعی بن علی بن حسن حسینی، فاضل ابوالمحاسن مسعود بن علی بن محمد صوابی، استاد ابوالقاسم و ابو جعفر پسر ابن کَمیح، سید منتهی بن ابی زید بن کیابکی کجی گرگانی، سید ابوالصمصام و ابوالوضّاح بن محمد بن معبد بن حسن، قاضی عماد الدین ابو محمد حسن استرآبادی، شهید سعید ابوعلی محمد بن حسن فارسی، سید مهدی بن ابی حرب حسینی، ابوالقاسم زید بن حسین بیہقی و ضیاء الدین ابوالرضا فضل الله بن علی راوندی و ... بوده‌اند (برای شرح حال مشایخ و طرق ابن شهر آشوب، ر.ک: نوری، ۱۴۱۶: ۳، ۱۰۵-۱۰۶)

۱-۲- شاگردان ابن شهر آشوب

افراد بسیاری نیز مفتخر به شاگردی ابن شهر آشوب و کسب علم و نقل روایت از وی گشته‌اند. اما جز چند نفر از آنها شناخته نشده‌اند. از جمله این افراد در میان شیعیان، ابو حامد نجم الدین سید محمد بن ابی القاسم بن زهره حلبی صاحب کتاب الاربعین، جمالا ۵۸۱ به خط خود، به وی اجازه روایت تمامی تألیفات خود، از جمله معالم العلماء را داده است، (بروجردی، ۱۴۱۰: ۱، ۱۱۰) محمد بن ادريس حلی، ابن بطریق حلی و ابن ابی طی حلی هستند.

۱-۳- تألیفات ابن شهر آشوب

ابن شهر آشوب در زمینه‌های بسیاری دارای تبحر و دانش بوده و آثار بسیاری نگاشته است. بسیاری از دانشمندان شیعه و سنی ضمن معرفی ابن شهر آشوب به آثار وی نیز اشاره کرده‌اند (برای نمونه ر.ک: صفدی، ۱۴۲۰: ۴، ۱۶۴؛ تهرانی، بی‌تا: ۲، ۲۷۶، ۳۸۷، ۳۹۵) در مقدمه کتاب معالم العلماء (بی‌تا، ۳۲-۲۲) دوازده کتاب وی نام برده شده است که همگی از آثار نفیس و ارزشمند اسلامی است. این آثار عبارت‌اند از: مناقب آل ابی طالب، مثالب النواصب، المخزون و المکنون فی عیون الفنون، الطرائق فی الحدود و الحقایق، مائة الفائدة، المثال فی الامثال، معالم العلماء، الاسباب و النزول

علی مذهب آل الرسول، الحاوی، المتشابه القرآن، الأوصاف، المنهاج. از دیگر کتابهای وی الاصول، کتاب الرجال، کتاب دستور زبان عربی الجدیده و ... است. (خوانساری، بی تا: ۶، ۲۹۰) از میان کتابهای او تنها کتاب مناقب، معالم العلماء و متشابه القرآن چاپ و منتشر شده است. کتاب مناقب آل ابی طالب که به مناقب ابن شهر آشوب مشهور است، معروفترین اثر وی است، که بارها به چاپ رسیده و نموداری از تحقیقات و مهارت وی در تاریخ حدیث بوده و مشتمل بر تاریخ حیات ائمه و فضایل، مناقب و رویدادهای زندگی آنهاست. وی در مقدمه، علت تألیف این کتاب را شرح و از کتب شیعی و سنی و گفتار علمای فریقین و شعرای مشهور عرب برای اثبات مدعای خود شاهد می آورد که از هر نظر جالب و ارزشمند است. (ر.ک: ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶: ۱، ۳-۶، مقدمه) به گفته محدث نوری (۱۴۱۶: ۳، ۵۷) این کتاب که تا زمان علامه مجلسی در دسترس بوده، اکنون اصل آن موجود نیست، بلکه مختصر آن است که حسن بن جبیر یا فرد دیگری از اصل کتاب برگزیده است. اما طبق بررسی صورت گرفته، نامی از این فرد در کتب رجال نیامده است، ظاهراً نام این فرد حسین بن جبیر^(۱) بوده که تصحیف شده است. در واقع محدث نوری این مطلب را از فردی به نام علی بن یونس عاملی بیاضی نقل می کند، این در حالی است که خود بیاضی هم نام این فرد را حسین بن جبیر (و نه حسن بن جبیر که محدث نوری ذکر کرده) آورده است. بیاضی می گوید: «حسن بن جبیر این کتاب را مختصر کرده است.» (۱۳۸۴: ۱، ۱۱) و محدث نوری معتقد است کتاب موجود، همان منتخب است. اما صاحب الذریعه (بی تا: ۲، ۲۲۱؛ ۲۴، ۹۰) این قول محدث نوری را که کتاب موجود منتخب است نه اصل، رد کرده و در جایی دیگر (بی تا: ۲۲، ۳۱۹) با رد قول بیاضی و محدث نوری، می گوید هر دو کتاب امروز موجود هستند.

کتاب معالم العلماء یکی دیگر از تألیفات ابن شهر آشوب است که در سال ۱۳۸۰ در نجف با قطع رقعی در ۱۶۰ صفحه با مقدمه محمدصادق بحر العلوم به چاپ رسیده است. این کتاب که به عنوان تتمیم بر فهرست شیخ طوسی نوشته شده، ۱۰۲۱ نفر از دانشمندان شیعه را نام برده و آثارشان را به اجمال و گاه به تفصیل شناسانده است. طبق گفته ابن شهر آشوب در مقدمه معالم (بی تا: ۳۸)، در این کتاب نام ششصد کتاب، اضافه بر کتب موجود در فهرست شیخ طوسی موجود است.

۱. حسین بن جبیر که به اون حسین بن حبر هم گفته شده، معروف به ابن جبیر از افراد فاضل، عالم، جلیل در علوم اسلامی است که با یک واسطه از ابن شهر آشوب روایت کرده است. (امین، محسن، بی تا: ۵، ۴۶۵)

کتاب دیگر تأویل متشابهات القرآن است که در دو جلد منتشر شده و دارای سبک و اسلوب زیبا است و در اعصار و شهرها مورد توجه خاص دانشمندان بوده است و چه بسا که نخستین کتاب در موضوع خود باشد. ابن شهر آشوب در این کتاب آیات متشابه را ابتدا از باب توحید، سپس عدل و تنزیه خداوند و پس از آن ابواب امامت تا معاد را بررسی و در ادامه ابواب فقه و تشریح احکام اسلامی را به ترتیب کتب فقهی مطرح و در نهایت از فنون ادبی و عربی سخن گفته است. (تهرانی، بی‌تا: ۳، ۳۰۶) آیت‌الله خوبی (۱۴۱۳: ۱۶، ۳۳۰) از این کتاب با عنوان متشابه القرآن یاد میکند.

۲- ابن شهر آشوب از نگاه عالمان شیعه و سنی

۲-۱- اقوال علمای شیعه درباره ابن شهر آشوب

از آنجا که ابن شهر آشوب از شخصیت‌های مشهور و نامی شیعه است و به جهان اسلام و تشیع خدمات بسیار ارزنده‌ای ارائه نموده، همواره مورد تحسین و تمجید علمای شیعه بوده است. طبق بررسی صورت گرفته، در بین شیعیان حتی یک مورد هم مشاهده نمی‌شود که به تضعیف و جرح وی پرداخته باشند. وی نه تنها از سوی حامیان و هم‌مسلكانش مورد تأیید و تجلیل بوده، بلکه از سوی مخالفان و بیگانگان نیز مورد احترام و تعظیم بوده و علمای فریقین بر مدح و تجلیل و تبحر وی در علوم اتفاق نظر دارند. در این مورد تنها مجمع علمی دمشق نظر مخالف دارد؛ زیرا این مجمع معتقد است اگر ابن شهر آشوب در مقابل کتاب مناقب آل ابی‌طالب، کتابی هم در مناقب بنی‌امیه می‌داشت، مستحق تعظیم بود و اکنون که چنین کتابی ندارد، سزاوار ذم و تحقیر است (امین، محسن، بی‌تا: ۱، ۸۲)

علماء و دانشمندان شیعه در مورد او توصیفات و کلمات روشنگری دارند: ابن فوطی (۷۳۲م) در مورد او می‌گوید: «عزالدین أبوعلی محمد بن علی بن شهر آشوب مازندرانی فقیه شیعه است و به عنوان یکی از مشهورترین فقها و محافظان مکتب امامیه است.» (حسینی جلالی، بی‌تا: ۱، ۶۰۱) تفرشی (۱۴۱۱: ۳۲۳) هم او را شیخ و بزرگ امامیه، فقیه آنان، شاعر بلیغ و مبتکر می‌داند که محمد بن عبدالله بن زهره از او روایت نموده که او نیز از محمد و علی، فرزندان عبدالصمد، روایت کرده است. شیخ حر عاملی هم وی را عالم، فاضل، ثقة، محدث، محقق، عارف به رجال و اخبار، ادیب، شاعر، جامع محاسن و صاحب کتاب‌های بسیاری می‌داند. (حرعاملی، بی‌تا: ۲، ۲۸۶) شیخ همچنین در تذکرة المتبحرین در وصف او می‌گوید: «شیخ رشیدالدین محمد بن علی بن شهر آشوب

مازندرانی سروی، عالم، فاضل، ادیب، ثقه، محدث، محقق، آشنا به رجال و اخبار، شاعر، جامع محاسن، دارای آثار علمی بسیاری می‌باشد که از جمله آنها کتاب مناقب آل ابی‌طالب، کتاب مثالب النواصب، کتاب المخزون المکنون فی عیون الفنون، اعلام الطرائق فی الحدود و الحقائق، فائدة الفائده، المثال فی المثال، کتاب الاسباب و النزول علی مذهب آل الرسول، کتاب الحاوی، کتاب الاوصاف، کتاب المنهاج و... است.» (حرعاملی، بی‌تا: ۲، ۲۸۵ و ۲۸۶)

محدث نوری در خاتمه مستدرک الوسائل (۱۴۱۶: ۳، ۵۷) این چنین از ابن شهر آشوب یاد می‌کند: «فخر شیعه و تاج شریعت، افضل الاوائل و دریای متلاطم ژرف بی‌پایان، زنده‌کننده آثار مناقب و فضایل اهل بیت، رشیدالمله و الدین، شمس الاسلام و المسلمین، محمد بن علی بن شهر آشوب، فقیه، محدث و مفسر ... امامیه است.» مدرس تبریزی (بی‌تا: ۶، ۴۸) نیز با الفاظی مشابه به مدح ابن شهر آشوب پرداخته و به آثار وی اشاره کرده است. مرحوم سید هبه‌الدین شهرستانی در پیشگفتار چاپ جدید کتاب متشابه القرآن ابن شهر آشوب می‌نویسد: «کتاب متشابه القرآن، تألیف حجت دین، دانشمند مسلمین، رشیدالدین محمد بن شهر آشوب سروی است، که در سن بالغ بر صدسال از دنیا رفته است. او شیخ و بزرگ طائفه امامیه بود. خداوند روحش را شاد و قبرش را پر نور سازد.» آقا بزرگ تهرانی (بی‌تا: ۳، ۳۰۶) نیز در الدرریه در توصیف کتاب متشابه القرآن ابن شهر آشوب، به شخصیت او اشاره می‌کند و می‌گوید: «آن یک کتاب جالب و شگفت‌انگیز است که از علم وافر و ادب کامل مؤلف عالی قدرش حکایت می‌کند.» میرزا ابوالفضل طهرانی (۱۴۰۹: ۱۸۳) در تحقیق حال محمد بن جریر طبری که آیا محمد بن جریر طبری بن غالب است یا محمد بن جریر بن یزید، قول ابن شهر آشوب را که جدّ طبری را یزید خوانده، بر قول نووی که جدّ او را غالب خوانده، ترجیح می‌دهد و در این باره می‌گوید: «علت این سخن آن است که جلالت ابن شهر آشوب در علم صد پایه فزون‌تر از نووی است.» صاحب طبقات مفسران شیعه (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۷: ۴۲۶) هم او را ستوده و در وصف او می‌گوید: «او یکی از پیشروان علم و ادب و از پیشگامان تفسیر و علوم قرآنی و از مفسران عالیقدر قرن ششم است که شیخ الطائفه و بزرگ تبار امامیه در عصر خویش بوده است. که در عمر پربرکت و صدساله خود توانسته است خدمات ارزنده‌ای را به معارف اسلام و مسلمین بنماید و در زمینه‌های گوناگون قلم‌فرسایی کند.»

برخی نیز مدح خود را در وصف ابن شهر آشوب با ذکر اشعاری در ستایش او

بیان کرده‌اند. در این باره شیخ عباس قمی (بی‌تا: ۱، ۳۲۱) ضمن بیان این مطلب که ابن شهر آشوب فخر شیعه و مروج شریعت بوده و آثار مناقب و الفضائل را زنده کرده است، در وصف او این شعر را آورده است:

هو البحر لا بل دون ما علمه البحر	هو البدر لا بل دون طلعتہ البدر
هو النجم لا بل دونہ النجم رتبہ	هو الدر لا بل دون منطقہ الدر
هو العالم المشهور فی الدهر و الذی	به بین ارباب النهی افتخر الدهر
هو الکامل الاوصاف فی العلم و التقی	فطاب به فی کل ما قطر الذکر
محاسنه جلت عن الخضر و ازدهی	بأوصافه نظم القصائد و النثر

او دریایی است که دریا در برابر علم او کوچک است و ماهی است که ماه شب چهارده در برابر طلعتش بی‌مقدار است.

او ستاره‌ای است که ستارگان در برابرش کوچک‌اند. او مرواریدی است که مروارید در برابر کلامش بی‌مقدار است.

او دانشمندی پرآوازه و معروف در روزگار است که روزگار در میان همه صاحبان دانش و خرد به او افتخار می‌کند.

او در علم و تقوی کامل‌ترین است و هر چیزی که بهترینش یاد شود، درباره او صدق می‌کند. محاسن و نیکی‌های او از مراتع سرسبز دل‌انگیزتر است و در اوصاف او نظم قصائد و نثرها به شکوفایی رسیده است.

۲-۲- اقوال علمای اهل سنت

یکی از مهمترین دلایلی که منزلت ابن شهر آشوب را بیش از پیش بیان می‌کند، آراء و دیدگاه‌های بزرگان اهل سنت در وصف این دانشمند شیعی است. در فضیلت و جلالت او همین بس که بزرگان علمای اهل سنت، قدر و منزلت او را ارج نهاده و آن طور که ابن شهر آشوب را ستوده‌اند، درباره هیچ یک از علمای شیعه بدین گونه سخن نگفته‌اند.

شیخ صلاح‌الدین صفدی (۱۴۲۰: ۴، ۱۶۴) در ترجمه ابن شهر آشوب می‌نویسد: «او یکی از شیوخ شیعه است که قرآن را در مدت هشت سال حفظ کرده است و (به همین جهت به وی لقب حافظ داده‌اند) و نهایت تلاش خود را در اصول شیعه به کار بسته، چنان که از شهرهای دور به محضرش می‌آمدند. وی در علم قرآن و غریب آن سرآمد عصر بود ... و به بلاد مختلف سفر کرد و ...» وی در ادامه به حسن بیان ابن شهر آشوب اشاره کرده و می‌گوید: «وی صدوق اللهجه، ملیح المحاوره، واسع العلم، کثیر الخشوع

و عبادت و همیشه با وضو بود. در ایام المقتفی خلیفه عباسی (۱۰۹۶-۱۱۶۰م) در بغداد به منبر می‌رفت و وعظ می‌گفت؛ چندانکه سعه دانش او اعجاب خلیفه را برمی‌انگیخت و او را خلعت می‌داد.» (صفدی، ۱۴۲۰: ۴، ۱۶۴)

از دیگر بزرگان اهل سنت که به مدح ابن شهر آشوب پرداخته‌اند، شمس‌الدین ذهبی (۱۴۱۳: ۴، ۲۸۹) است که در مورد او می‌گوید: «او یکی از شیوخ شیعه است که به مدت هشت سال قرآن را حفظ کرده و نهایت تلاش خود را در اصول شیعه به کار برده و به شهرهای بسیاری سفر کرده و در علم قرائت و غریب و نحو از متقدمان محسوب می‌شود. وی در زمان المقتفی در بغداد بر منابر موعظه می‌گفت که خلیفه از او خوشش آمد و به او خلعتی داد.» او نیز در ادامه به خوش‌منظری، خوش‌کلامی، کثیر الخشوع و عبادت بودن او اشاره کرده و سپس تصانیف او را نام می‌برد.

ابن حجر در *لسان المیزان* (۱۳۹۰: ۵، ۳۱۰) از ابن‌ابی‌طی نقل می‌کند که وی در مورد ابن شهر آشوب می‌گوید: «او ابتدا به تحصیل حدیث پرداخت و در این راه رجالیان بسیاری را ملاقات کرد، سپس به آموختن فقه روی آورد و نهایت سعی خود را در درک فقه اهل‌بیت به کار بست و در این زمینه به مقام والایی رسید. همچنین در اصول تتبع نمود و مهارت به دست آورد. وی در قرائت، غریب، تفسیر، ادبیات عرب، متفق و مفترق، مؤتلف و مختلف، فصل و وصل و فرق بین رجال خاصه و عامه، صاحب تصنیف بوده و بسیار متواضع و خاشع است.» وی در ادامه سخن ابن‌ابی‌طی در مورد اختلاف مردم حلب در تلفظ ابن‌بطه الحنبلی و ابن‌بطه شیعی را ذکر می‌کند. ابن‌ابی‌طی در ادامه می‌گوید: «پیش از آمدن ابن شهر آشوب به حلب، مردم آنجا میان ابن‌بطه الحنبلی (عبیدالله بن محمد عکبری متوفی ۳۸۷) و ابن‌بطه شیعی (ابوجعفر محمد بن جعفر بن احمد بن بطه قمی) فرق نمی‌گذاشتند. تا اینکه ابن شهر آشوب به آنان توضیح داد که باید ابن‌بطه حنبلی را به فتح باء و ابن‌بطه شیعی را به ضم باء بخوانند و به این ترتیب بود که این مشکل ادبی حل شد.»

از دیگر کسانی که به ستایش ابن شهر آشوب پرداخته‌اند، جلال‌الدین سیوطی (بی‌تا: ۳۷) است، وی در طبقات مفسرین، ضمن بیان شرح حال ابن شهر آشوب، از وی با تجلیل فراوان یاد کرده و او را دانشمند نحوی نامیده و می‌نویسد: «ابن شهر آشوب، خوش‌منظر، نیکو صورت، راست‌گفتار، ملیح سخن، وافر العلم، کثیر الخشوع و العبادة، و دائم الوضو بود.»

علامه شمس‌الدین محمد بن علی بن احمد داودی (بی‌تا: ۲، ۱۹۹) شاگرد سیوطی،

نیز در وصف ابن شهر آشوب می‌گوید: «وی یکی از مشایخ و رؤسای شیعه است که با بزرگان بسیاری ملاقات کرده و به درایت در حدیث پرداخته و در فقه مذهب خود به مقام نهایی رسید و چنان در اصول تتبع را به کار برد که از اطراف برای کسب علم به حضورش می‌آمدند، سپس به سفر کردن در کسب حدیث و علم پرداخت و به علوم قرآنی روی آورد و در قرائات، تفسیر و نحو پیشرفت شایانی کرد. او پیشوای عصر و یگانه روزگار خویش بود و در علم قرآن و حدیث کسی بر او غلبه نیافت و بیشترین تخصص وی در این زمینه بوده است. وی نزد شیعه در تصنیف کتب حدیث و رجال و شناخت موارد آن و فنون گوناگون، مانند خطیب بغدادی نزد اهل سنت است. آثار او در تعلیقات حدیث، رجال، مراسیل، متفق و متفرق و غیره از انواع گوناگون بسیار است.» صاحب معجم المؤلفین (کحاله، بی‌تا: ۱۱، ۱۶)، تحت عنوان «ابوجعفر، محمد بن شهر آشوب»، می‌گوید: «او عالم شیعی و جامع در برخی از علوم، در ایام خلیفه المقتدی، در بغداد به وعظ مردم می‌پرداخت، که مورد اعجاب خلیفه واقع می‌گشت. او در ماه شعبان ۵۸۸ از دنیا رفته است. از تألیفات او الأسباب و التزول علی مذهب آل الرسول، اعلام الطرائق فی الحدود و الحقایق، المخزون و المکنون فی عیون الفنون، مائده الفائدة، المثالب و النواصب و ایضاح المکنون می‌باشد.»

برخی هم در ضمن معرفی آثار ابن شهر آشوب به مدح وی پرداخته‌اند: قاضی القضاة مجدالدین بن محمد فیروزآبادی مؤلف کتاب قاموس، پس از نقل قسمتی از سخنان صفدی، بیان می‌کند که ابن شهر آشوب صاحب کتاب الاصول در علم نحو و لغت، کتاب مکنون و مخزون و ... و نیز الجدیده است که فوائد و گوهرهای بسیاری در آن گرد آورده است. (نوری، ۱۴۱۶: ۳، ۴۸۵؛ امین، محسن، بی‌تا: ۱، ۸۳)

آل‌القیس، صاحب کتاب الایرانیون و الادیب العربی (بی‌تا: ۳، ۳۰۸) نیز او را عالم، فاضل، ثقه، محدث، عارف به رجال و اخبار، ادیب، شاعر، جامع محاسن، عالم به حدیث و اصول، از فضلاء شیعه امامیه از ساری مازندران (طبرستان) دانسته است و در ادامه سخن بستانی (بی‌تا: ۳، ۲۶۸) در مورد ابن شهر آشوب را که می‌گوید: "ابن شهر آشوب، شیخ الطائفه شیعه و مرجع دینی در عصر خود بوده است. وی بین فقه و حدیث و تفسیر و ادب و شعر و معرفه رجال و اخبار جمع کرده است،" می‌آورد.

نتیجه گیری

ابن شهر آشوب از شخصیت‌های برجسته شیعه در قرن ششم است که نقش بسزایی در احیای مذهب شیعه و پیشرفت علم و دانش داشت؛ به گونه‌ای که در زمینه‌های مختلف فقه، حدیث، شعر، لغت و ... صاحب اثر بوده است. همچنین از متقدمین در علم قرائت، غریب‌اللغه و نحو محسوب می‌شود. دانش بی‌مانند وی نه تنها نظر عالمان شیعه را به خود جلب کرده، بلکه بزرگان و مفاخر اهل سنت را نیز متوجه خود ساخته و همگی عالمان از شیعه و اهل سنت وی را مدح و ستایش کرده‌اند. تنها مجمع علمی دمشق، ابن شهر آشوب را به این دلیل که کتابی در مناقب بنیامیه ندارد، سزاوار تحقیر دانسته است.

کتابنامه

- ۱- آل قیس، قیس، بی‌تا: الا برانیون و الادب العربی، بیجا: مؤسسة التحقیقات و البحوث الثقافیة.
- ۲- ابن حجر، محمد بن علی، ۱۳۹۰: لسان المیزان، بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
- ۳- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، بی‌تا: معالم العلماء، نجف: منشورات المطبعة الحیدریه.
- ۴- _____، ۱۳۷۶: مناقب آل ابی طالب، نجف: مکتبه الحیدریه.
- ۵- _____، ۱۴۱۰: متشابه القرآن، قم: انتشارات بیدار.
- ۶- افندی اصفهانی، میرزا عبدالله، بی‌تا: تعلیقه أمل الآمل، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- ۷- امین، سیدمحسن، بی‌تا: اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- ۸- امین، سیدحسن، بی‌تا: مستدرک اعیان الشیعه، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- ۹- بروجردی، سیدعلی، ۱۴۱۰: طرائف المقال، تحقیق: مهدی الرجائی، قم: مکتبه آیت‌الله مرعشی، چاپ اول.
- ۱۰- بستانی، فؤاد افرام، بی‌تا: دائرة المعارف، بی‌جا: بی‌نا.
- ۱۱- بیاضی، علی بن محمد بن یونس عاملی، ۱۳۸۴: الصراط المستقیم الی مستحق التقدیم، تهران: چاپ محمدباقر بهبودی.
- ۱۲- تستری، قاضی نورالله، ۱۳۷۶: مجالس المؤمنین، قم: کتابفروشی اسلامی.
- ۱۳- تهرانی، آقابزرگ، بی‌تا: الذریعه الی تصانیف الشیعه، قم: اسماعیلیان.
- ۱۴- حرّ عاملی، محمد بن حسن، بی‌تا: أمل الآمل، نجف: مکتبه الأندلس.
- ۱۵- حسینی تفرشی، مصطفی بن حسین، ۱۴۱۸: نقد الرجال، قم: مؤسسة آل‌البت (علیهم‌السلام)، چاپ اول.
- ۱۶- حسینی جلالی، محمد حسین، بی‌تا: فهرس التراث، قم: دلیل ما.
- ۱۷- خوانساری اصفهانی، محمدباقر، بی‌تا: روضات الجنات، قم: بی‌نا.
- ۱۸- خویی، ابوالقاسم، ۱۴۱۳: معجم رجال الحدیث و تفضیل طبقات الرواة، قم: بی‌نا، چاپ پنجم.

- ۱۹۔ دوانی، علی، ۱۳۳۸: «مفاخر مکتب اسلام، ابن شہر آشوب»، مجلہ درس‌هایی از مکتب اسلام، سال دوم، شماره ۱.
- ۲۰۔ سبحانی، شیخ جعفر، بی‌تا: موسوعۃ طبقات الفقہاء، قم: مؤسسہ امام صادق (علیہ السلام).
- ۲۱۔ سیوطی، جلال الدین، بی‌تا: طبقات المفسرین، بیروت: دارالکتب العلمیہ.
- ۲۲۔ صفدی، خلیل بن ابیکہ، ۱۴۲۰: الوافی بالوفیات، تصحیح: احمد الأرنؤوط و ترکی مصطفی، بیروت: دار احیاء التراث.
- ۲۳۔ طہرانی، میرزا ابوالفضل، ۱۴۰۹: شفاء الصدور فی شرح زیارہ العاشور، قم: سیدالشہداء، چاپ دوم.
- ۲۴۔ عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم، ۱۳۸۷: طبقات مفسرین شیعیہ، قم: نوید اسلام، چاپ چہارم.
- ۲۵۔ قمی، شیخ عباس، بی‌تا: الکنی و الالقب، بی‌جا، بی‌نا.
- ۲۶۔ کحالہ، عمر رضا، بی‌تا: معجم المؤلفین، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ۲۷۔ نوری، میرزا حسین، ۱۴۱۶: خاتمۃ مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسۃ آل البیت لإحیاء التراث، چاپ اول.



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی